

انس با قرآن

پیامبر اکرم صلی الله وعلیه وآله وسلم فرمود:

إِنْ أَرَدْتُمْ عَيْشَ السُّعْدَاءِ وَ مَوْتَ الشُّهَدَاءِ وَ النَّجَاةَ يَوْمَ الْحَسْرَةِ وَ الظَّلَّ يَوْمَ الْخُرُورِ وَ الْهُدَى يَوْمَ الضَّلَالَةِ فَادْرُسُوا الْقُرْآنَ فَإِنَّهُ كَلَامُ الرَّحْمَانِ وَ حِرْزٌ مِنَ الشَّيْطَانِ وَ رُجْحَانٌ فِي الْمِيزَانِ

اگر زندگی سعادت‌مندان، مرگ شهیدان، نجات روز حسرت (قیامت)، سایه روز سوزان و هدایت در روز گمراهی را می‌خواهید، قرآن را یاد بگیرید که آن سخن خدای مهربان است و سپری است در مقابل شیطان و عامل برتری در ترازوی اعمال.^۱

قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَ يُغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَ اللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ (آل عمران/۳۱)

بگو: اگر خدا را دوست می‌دارید، از من پیروی کنید! تا خدا (نیز) شما را دوست بدارد؛ و گناهان‌تان را ببخشد؛ و خدا آمرزنده‌ی مهربان است.

محبت واقعی این است^۲

شان نزول:

در باره آیات فوق دو شان نزول در تفسیر «مجمع البیان» و «المنار»، آمده است: نخست این که جمعی در حضور پیغمبر صلی الله وعلیه وآله وسلم ادعای محبت پروردگار کردند، در حالی که «عمل» به برنامه‌های الهی در آن‌ها کم‌تر دیده می‌شد، آیات فوق نازل گردید و به آن‌ها پاسخ گفت.

دیگر این که جمعی از مسیحیان «نجران» در مدینه به حضور پیامبر صلی الله وعلیه وآله وسلم آمدند و ضمن سخنان خود، اظهار داشتند که ما اگر مسیح علیه السلام را فوق‌العاده احترام می‌گذاریم، به خاطر محبتی است که به خدا داریم، آیات فوق نازل شد و به آن‌ها پاسخ گفت.

همانگونه که در شان نزول خواندیم گروهی بودند: که دم از دوستی پیامبر اسلام صلی الله وعلیه وآله وسلم یا سایر انبیاء می‌زدند، آیات فوق، مفهوم دوستی واقعی را تبیین می‌کند و فرق آن را با محبت کاذب و دروغین روشن می‌سازد.

نخست می‌فرماید: «بگو: اگر خدا را دوست می‌دارید از من پیروی کنید تا خدا شما را دوست بدارد و گناهان‌تان را ببخشد که خدا آمرزنده مهربان است» (قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَ يُغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَ اللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ). یعنی محبت تنها یک علاقه قلبی ضعیف و خالی از هر گونه اثر نیست بلکه باید آثار آن، در عمل انسان منعکس باشد، کسی که مدعی عشق و علاقه به پروردگار است، نخستین نشانه‌اش این است که از پیامبر صلی الله وعلیه وآله وسلم و فرستاده او پیروی کند.

در حقیقت این، یک اثر طبیعی محبت است که انسان را به سوی «محبوب» و خواسته‌های او می‌کشاند، البته ممکن است، محبت‌های ضعیفی یافت شود که شعاع آن، از قلب به بیرون نیفتد، اما این‌گونه محبت‌ها به قدری ناچیز است که نمی‌توان نام محبت بر آن گذاشت، یک محبت اساسی حتماً آثار عملی دارد، حتماً دارنده آن را با محبوب پیوند می‌دهد، و در مسیر خواسته‌های او به تلاش پرتمر وامی‌دارد.

۱- جامع الأخبار (للشعیری) ص ۴۱

۲- این بخش از تفسیر نمونه ج ۲ صفحه ۵۱۲ به بعد انتخاب شده است.

دلیل این موضوع روشن است، زیرا عشق و علاقه انسان به چیزی حتماً به خاطر این است که کمالی در آن یافته است، هرگز انسان به موجودی که هیچ نقطه قوتی در آن نیست، عشق نمی‌ورزد، بنا بر این، عشق انسان به خدا به خاطر این است که او منبع و سرچشمه اصلی هر نوع کمال است، مسلماً چنین وجودی، تمام برنامه‌ها و دستورهایش نیز کامل است، و در این حال چگونه ممکن است انسانی که عاشق تکامل و پیشرفت است از آن برنامه‌ها، سرباز زند، و اگر سرباز زد، آیا نشانه عدم واقعیت عشق و محبت او نیست؟

این آیه نه تنها به مسیحیان نجران، یا مدعیان محبت پروردگار در عصر پیامبر صلی‌الله‌وعلیه‌وآله‌وسلم پاسخ می‌گوید، بلکه یک اصل کلی در منطق اسلام برای همه اعصار و قرون است، آن‌ها که شب و روز دم از عشق پروردگار یا عشق و محبت پیشوایان اسلام و مجاهدان راه خدا و صالحان و نیکان می‌زنند اما در عمل، کمترین شباهتی به آن‌ها ندارند، مدعیان دروغینی بیش نیستند.

آن‌ها که سر تا پا آلوده گناه‌اند، با این حال قلب خود را مملو از عشق خدا، پیامبر صلی‌الله‌وعلیه‌وآله‌وسلم، امیرمؤمنان علیه‌السلام و پیشوایان بزرگ می‌دانند، و یا عقیده دارند که ایمان و عشق و محبت تنها به قلب است و ارتباطی با عمل ندارد، از منطق اسلام به کلی بیگانه‌اند.

در «معانی الاخبار» از امام صادق علیه‌السلام نقل شده که فرمود:

«ما احب الله من عساه - کسی که گناه می‌کند، خدا را دوست نمی‌دارد».

سپس این شعر معروف را قرائت فرمود:

تعصى الاله و انت تظهر حبه هذا لعمری فی الفاعل بدیع

لو کان حبك صادقاً لاطعته ان المحب لمن يحب مطیع

«معصیت پروردگار می‌کنی، با این حال اظهار محبت او می‌نمایی - به جانم سوگند، این کار عجیبی است! اگر محبت تو صادقانه بود، اطاعت فرمان او می‌کردی - زیرا کسی که دیگری را دوست می‌دارد، از فرمان او پیروی می‌کند».

قرآن در جمله

«يُحِبُّكُمْ اللَّهُ وَ يُغْفِرُ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَ اللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ» می‌گوید:

اگر محبت خدا داشتید و اثرات آن در عمل و زندگی شما آشکار شد خداوند هم شما را دوست می‌دارد و به دنبال این دوستی، اثراتش در مناسبات او با شما آشکار می‌گردد، گناهان‌تان را می‌بخشد و شما را مشمول رحمتش می‌کند.

دلیل دوستی متقابل خداوند نیز روشن است، زیرا او وجودی است از هر نظر کامل و بی‌پایان و به هر موجودی که در مسیر تکامل گام بر دارد بر اثر سنخیت پیوند محبت خواهد داشت.

از این آیه ضمناً روشن می‌شود که محبت یک طرفه نمی‌تواند وجود داشته باشد، زیرا هر محبتی دارنده آن را دعوت می‌کند که عملاً در راه خواسته‌های واقعی محبوب گام بردارد و در چنین حالی به طور قطع، «محبوب» نیز به او علاقه پیدا می‌کند.

ممکن است در اینجا سؤال شود که اگر شخص «محب»، همواره اطاعت فرمان محبوب کند، دیگر گناهی برای او باقی نمی‌ماند که بخشوده شود، پس جمله «يَغْفِرُ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ» موضوعیت نخواهد داشت.

در پاسخ باید گفت: اولاً ممکن است این جمله اشاره به بخشش گناهان سابق باشد و ثانیاً شخص محب استمرار بر معصیت محبوب نمی‌کند، ولی ممکن است بر اثر طغیان و غلبه شهوات، گاهی لغزشی از او سرزند که در پرتو اطاعت‌های مستمر او بخشوده خواهد شد.

*** نکته: دین و محبت

در روایات متعددی از پیشوایان اسلام نقل شده که دین چیزی جز محبت نیست، از جمله در کتاب «خصال» و «کافی» از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود:

«هل الدين الا الحب ثم تلا هذه الآية إِنَّ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي - آیا دین جز محبت است، و سپس آیه فوق را تلاوت فرمود».

منظور از این روایات این است که روح و حقیقت دین همان ایمان و عشق به خدا است ایمان و عشقی که شعاع آن، تمام وجود انسان را روشن می کند و همه اعضا و دستگاه های تن تحت تاثیر آن قرار می گیرند، و اثر بارز و روشن آن پیروی از فرمان خدا است.

در آیه بعد، بحثی را که در آیه قبل آمده بود تعقیب کرده، می فرماید: «بگو: اطاعت کنید خدا و فرستاده او را» (قُلْ أَطِيعُوا اللَّهَ وَ الرَّسُولَ).

بنا بر این چون شما مدعی محبت او هستید باید با اطاعت از فرمان او و پیامبرش این محبت را عملاً اثبات کنید. سپس می افزاید: «اگر آن ها سرپیچی کنند، خداوند کافران را دوست ندارد» (فَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْكَافِرِينَ). سرپیچی آن ها نشان می دهد که محبت خدا را ندارند، بنا بر این خدا هم آن ها را دوست ندارد، زیرا محبت یک طرفه بی معنی است.

ضمناً از جمله «أَطِيعُوا اللَّهَ وَ الرَّسُولَ» استفاده می شود که اطاعت خدا و پیامبر صلی الله و علیه و آله و سلم از هم جدا نیستند، به همین دلیل در آیه قبل تنها سخن از پیروی و اطاعت پیامبر صلی الله و علیه و آله و سلم بود و در این جا سخن از هر دو است.

نکته ها و پیام ها^۱

نکته ها:

درباره جایگاه پیامبر و لزوم اطاعت از او، در قرآن می خوانیم: «مَنْ يُطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ» هر کس از پیامبر پیروی کند، قطعاً از خدا پیروی کرده است. در جای دیگر می خوانیم: «إِنَّ الَّذِينَ يُبَايِعُونَكَ إِنَّمَا يُبَايِعُونَ اللَّهَ» بیعت با تو بیعت با خداست.

پیام ها:

۱- هر ادعایی با عمل ثابت می شود. «إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي»

کار با سعی است نی با ادعا لیس للانسان الا ما سعی

۲- لازمه ی ایمان به خدا، پیروی از اولیای خداست. «فَاتَّبِعُونِي» (آری، اسلام منهای روحانیت واقعی، محکوم است).

۳- هر کس در عمل سست است، در حقیقت پایه ی محبت او سست است. «تُحِبُّونَ ... فَاتَّبِعُونِي»

۴- در راه اصلاح جامعه، از عواطف کمک بگیریم. «إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ»

۵- عمل، سخن و سکوت رسول خدا، حجت و قابل پیروی است. «فَاتَّبِعُونِي»

- ۶- پیامبر معصوم است، زیرا فرمان پیروی عام و بی چون و چرا برای غیر معصوم، حکیمانه نیست. «قُلْ ... فَاتَّبِعُونِي»
- ۷- اگر می‌خواهید خداوند شما را دوست بدارد، باید از رسول الله پیروی کنید. «فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ»
- ۸- انسان می‌تواند به جایی برسد که رضای او، رضای خدا و پیروی از او، پیروی از خدا باشد. «فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ»
- ۹- امتیاز دین الهی بر قوانین بشری، وجود عنصر محبت، الگوی عملی و صلاحیت قانون‌گزار است. «تُحِبُّونَ ... فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ»
- ۱۰- بهترین پاداش‌ها، پاداش معنوی است. محبوبیت نزد خدا و دریافت مغفرت، بهترین پاداش برای مؤمنان است. «يُحِبُّكُمُ اللَّهُ»
- ۱۱- نشانه‌ی دوستی، سرپوش گذاردن روی بدی‌ها و برخورد با عفو و رحمت است. «يُحِبُّكُم ... يَغْفِرْ لَكُمْ»
- ۱۲- کارهای نیک، مایه‌ی آمرزش گناهان است. «فَاتَّبِعُونِي ... يَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ»
- ۱۳- اطاعت و پیروی از پیامبر، موجب دریافت عفو الهی است. «فَاتَّبِعُونِي ... يَغْفِرْ لَكُمْ»

گزیده‌ای از مطالب آیت الله جوادی آملی در باره این آیه

- ۱- محبّ خدا کسی است که دوستدار دین و پیک خدا و پیرو رسول خدا صلی‌الله‌وآله‌وسلم اشد و از این آیه بر می‌آید که اگر کسی بخواهد محبوب خدا شود باید پیرو حبیب او باشد و اطاعت حبیب الله انسان را محبوب خدا می‌سازد.^۱
- ۲- انسان برای پیمودن راه محبت به راهنما نیازمند است، تا هر برنامه‌ای را به دستور او انجام دهد، به همین جهت خداوند به حبیب خود فرمان می‌دهد که به مردم بگوید اگر دوستدار خدا هستید، از من پیروی کنید، تا محبوب او شوید.
- ۳- پیروی از حبیب خدا انسان را نخست حبیب خدا (حبیب به معنای مُحِبّ) و سرانجام، حبیب به معنای محبوب می‌کند.
- ۴- وجود مبارک رسول خدا صلی‌الله‌وآله‌وسلم از آن جهت که حبیب الله است، رسالتش ابلاغ پیام محبت است و چون سیره علمی و عملی آن حضرت اسوه علمی و عملی سالکان است، به امت خود محبت را درس می‌دهد.^۲
- ۵- محبت و پیروی، تعامل متقابل دارند. مقداری از محبت مایه پیروی است و بخشی از پیروی مایه ازدیاد محبت. این هماهنگی ناگسستنی مصحّح آن تعبیر رایج است که «هل الدین إلاّ الحبّ»؟؛ و چون پیروی دستورهای مستقیم یا غیر مستقیم الهی، محصول محبت از یکسو و کاشف آن از سوی دیگر و زمینه ازدیاد آن از سوی سوم است، پس عنصر محوری دین را محبت تأمین می‌کند و از آنجا که نصب و نص بر امامان معصوم علیهم‌السلام به دست حضرت ختمی نبوت به امر خدای سبحان صورت پذیرفت، پیروی از پیامبر صلی‌الله‌وآله‌وسلم مقتضی محبت اهل بیت است، زیرا آن حضرت همگان را به موالات آنان فراخواند و از معادات با آنها بر حذر داشت.^۳

۱- تسنیم، جلد ۵ - صفحه ۵۹۵

۲- تسنیم، جلد ۱۴ - صفحه ۳۹

۳- تسنیم، جلد ۱۴ - صفحه ۷۴

اطاعت از امامان معصوم مانند اطاعت از پیامبر است^۱

طبق برخی روایات اگر کسی خدا را اطاعت کند؛ ولی محب امیرمؤمنان (علیه السلام) نباشد، به بهشت وارد نخواهد شد، چون در حقیقت خدا را فرمان نبرده، زیرا آیه مورد بحث معیار محبت را پیروی از رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم دانسته است و نیز در آیه ۶۱ سوره آل عمران (آیه مباهله)، وجود مبارک امیرمؤمنان (علیه السلام) را بسان جان پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم معرفی فرمود، بنابراین اگر کسی محب و پیرو امیرمؤمنان (علیه السلام) نباشد، پیرو و محب حبیب خدا، حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم نیست، در نتیجه پیرو خدا نیز نخواهد بود.

از سوی دیگر، چون عترت طاهره (علیهم السلام) نور واحد و دارای پیام واحدند و وجود مبارک امیرمؤمنان (علیه السلام) نفس رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم است، همه‌ی عترت اطهار جان حضرت ختمی نبوت‌اند و انفکاک عترت طاهره (علیهم السلام) از یکدیگر مصداق (تُؤْمِنُ بِبَعْضٍ وَنُكَفِّرُ بِبَعْضٍ) است، پس هر یک از عترت طاهره (علیهم السلام) چنین حکمی دارد.

اطاعت از نائب امام

همانطور که آمد اطاعت از امام معصوم مانند اطاعت از پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم است؛ از طرفی امام معصوم دستور به اطاعت از نقطه جامع‌الشرایط داده است که به دو نمونه از روایات آن اشاره می‌شود.

۱- توقیع شریفی که مرحوم صدوق از اسحاق بن یعقوب نقل می‌کند که حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف در پاسخ به پرسش‌های او به خط مبارک‌شان نوشتند:

«وَأَمَّا الْخَوَادِثُ الْوَاقِعَةُ فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى رِوَاةٍ حَدِيثًا فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَ أَنَا حُجَّةُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ — در رویدادهایی که اتفاق می‌افتد به راویان حدیث ما مراجعه کنید زیرا آن‌ها حجت من بر شما و من حجت خدا بر آنان هستم»^۲.

حضرت مهدی علیه السلام دو جمله «فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ» و «أَنَا حُجَّةُ اللَّهِ» را به گونه‌ای فرموده‌اند که به وضوح می‌رساند حکم راویان حدیث که همان فقیهان هستند مانند حکم خود امام است. یعنی فقیهان نایب عام امام زمان علیه السلام در بین مردم هستند.

۲- حدیثی که از حضرت امام صادق علیه السلام نقل شده و به مقبوله‌ی عمر بن حنظله معروف است:

«مَنْ كَانَ مِنْكُمْ مِمَّنْ قَدْ رَوَى حَدِيثَنَا وَ نَظَرَ فِي حَالِنَا وَ حَرَامِنَا وَ عَرَفَ أَحْكَامَنَا فَلْيَرْضَوْا بِهِ حَكْمًا فَإِنِّي قَدْ جَعَلْتُهُ عَلَيْكُمْ حَاكِمًا فَإِذَا حَكَمَ بِحُكْمِنَا فَلَمْ يَقْبَلْهُ مِنْهُ فَإِنَّمَا اسْتَحَفَّ بِحُكْمِ اللَّهِ وَ عَلَيْنَا رَدُّ وَ الرَّادُّ عَلَيْنَا الرَّادُّ عَلَى اللَّهِ وَ هُوَ عَلَى حَدِّ الشَّرِّ بِاللَّهِ — هر کس از شما حدیث ما را نقل می‌کند و در حلال و حرام ما نظر دارد و احکام ما را می‌شناسد به حکومت او رضایت دهید همانا من او را حاکم شما قرار دادم پس وقتی او به حکم ما حکم کرد اگر قبول نشود، سبک شمردن حکم خدا و ردّ بر ماست و ردّ ما ردّ خداست و آن در حد شرک به خداست»^۳.

۱- این مطلب از تفسیر تسنیم، جلد ۱۴ صفحه ۴۳ به بعد انتخاب شده است.

۲. وسائل الشیعه ج ۲۷ ص ۱۴۰ - بحار الأنوار (ط - بیروت) ج ۲ ص ۹۰ و ج ۵۳ ص ۱۸۰ و ج ۷۵ ص ۳۸۰ - الاحتجاج ج ۲ ص ۴۶۹ - إعلام الوری بأعلام الهدی (ط - القدیمة) ص ۴۵۲ - الخرائج و الجرائح، ج ۳ ص ۱۱۱۳ - الغیبة للطوسی ص ۲۹۰ - کشف الغمّة فی معرفة الأئمة ج ۲ ص ۵۳۱ - کمال الدین ج ۲ ص ۴۸۳ - منتخب الأنوار المضية ص ۱۲۲

۳. الکافی ج ۱ ص ۶۷ - تهذیب الأحکام ج ۶ ص ۲۱۸ و ص ۳۰۱ - وسائل الشیعة ج ۱ ص ۳۴ و ج ۲۷ ص ۱۳۶ - مستدرک الوسائل ج ۱۷ ص ۳۱۱ -

فقیه در اصطلاح امروز همان شخصی است که در حدیث با تعبیر عارف به احکام معرفی شده است. وقتی در زمان حضور امام معصوم علیه السلام و در صورت دسترسی نداشتن به معصوم، وظیفه‌ی مردم مراجعه به فقیهان جامع الشرایط است، در زمان غیبت که معصوم حضور ندارد به طریق اولی وظیفه‌ی مردم مراجعه به چنین فقیهانی می‌باشد.

حضرت امام خمینی رحمت الله علیه در باره این روایت فرموده‌اند:

«همان‌طور که حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در دوران حکومت ظاهری خود حاکم و والی و قاضی تعیین می‌کرد، و عموم مسلمانان وظیفه داشتند که از آن‌ها اطاعت کنند، حضرت امام صادق علیه السلام هم چون "ولی امر" مطلق می‌باشد... می‌تواند برای زمان حیات و مماتش حاکم و قاضی تعیین فرماید... و تعبیر به حاکماً فرموده تا خیال نشود که فقط امور قضایی مطرح است، و به سایر امور حکومتی ارتباط ندارد»^۱.

با عنایت به همین موضوعات امام خمینی رحمت الله علیه حدود اختیار ولی فقیه را هم‌طراز حکومت امام معصوم می‌دانست. ایشان فرموده است:

«این توهم که اختیارات حکومت رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم بیشتر از حضرت امیر علیه السلام بود یا اختیارات حکومتی حضرت علی علیه السلام بیش از فقیه است، باطل و غلط است».

پس از فرارندم قانون اساسی در ۵۸/۹/۱۲، امام خمینی رحمت الله علیه از آنچه در مجلس خبرگان در باب قلمرو اختیارات ولایت فقیه از تصویب گذشت، خشنود نبود و این تصمیم خبرگان را فرایند جوسازی مخالفان به‌شمار آورد و فرمود:

«این‌که در این قانون اساسی یک مطلبی - و لو به نظر من یک قدری ناقص است و روحانیت بیشتر از این در اسلام اختیارات دارد و آقایان برای این‌که خوب دیگر خیلی با این روشنفکرها مخالفت نکنند یک مقداری کوتاه آمدند - این‌که در قانون اساسی هست، این بعض شئون ولایت فقیه هست نه همه شئون ولایت فقیه. و از ولایت فقیه آن طوری که اسلام قرار داده است، به آن شرایطی که اسلام قرار داده است، هیچ کس ضرر نمی‌بیند. یعنی آن اوصافی که در ولی است، در فقیه است که به آن اوصاف خدا او را ولی امر قرار داده است و اسلام او را ولی امر قرار داده است»^۲.

این سخن را امام خمینی رحمت الله علیه زمانی فرمود که بیش از دو ماه از تصویب و همه‌پرسی قانون اساسی نمی‌گذشت.

امام خمینی رحمت الله علیه، در موارد متعدد دیگری دیدگاه روشن خود را درباره ولایت فقیه و حوزه اختیار رهبری بیان فرمود. از جمله در نامه به رئیس جمهور وقت حضرت آیت الله خامنه‌ای مرقوم فرمود:

«حکومت، که شعبه‌ای از ولایت مطلقه رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم است، یکی از احکام اولیه اسلام است؛ و مقدم بر تمام احکام فرعی، حتی نماز و روزه و حج است ... آن‌چه گفته شده است تا کنون، و یا گفته می‌شود، ناشی از عدم شناخت ولایت مطلقه الهی است»^۳.

جدایی ناپذیری حبّ الله و پیروی از رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم و آل او علیهم السلام^۱

در روایات می خوانیم:

۱- قال رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم: من رغب عن سنتي فليس مني؛ ثم تلا هذه الآية: (قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ ...) .

رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: «هر کس از سنت من روی بگرداند از من نیست، سپس این آیه را تلاوت فرمود...»^۲

در این روایت با استشهاد به آیه مورد بحث، از سرباز زدن از سنت رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم نهی شده است.
۲- عن أبي جعفر (عليه السلام) قال: قال أمير المؤمنين (عليه السلام): ... فقال تبارك و تعالی في التحريض علي اتباعه [الرسول صلي الله عليه وآله وسلم] و الترغيب في تصديقه و القبول لدعوته: (قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ و يَغْفِرَ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ). فاتباعه صلي الله عليه وآله وسلم محبة الله و رضا غفران الذنوب.

«خداوند تبارک و تعالی در برانگیختن مردم برای تبعیت از پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم و رغبت دادن آنان به تصدیق و قبول دعوت ایشان در کتابش فرمود: "بگو: اگر خدا را دوست می دارید، از من پیروی کنید! تا خدا (نیز) شما را دوست بدارد؛ و گناهان تان را ببخشد؛ و خدا آمرزنده ی مهربان است." پس تبعیت از پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم موجب جلب محبت خدا و رضایت او و بخشیده شدن گناهان است».^۳

در روایت دوم، امیر مؤمنان (علیه السلام) بر پایه آیه مورد بحث، پیروی از رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم را محبت خدا و رضایت او را مایه بخشایش گناهان دانسته اند.

۳- عن النبي صلي الله عليه وآله وسلم في قوله: (قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ) قال: علي البرّ و التقوي و التواضع و ذلة النفس.

از نبی خدا صلی الله علیه و آله وسلم نقل شده است که درباره آیه (قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ) فرمود: (منظور اطاعت) بر نیکی و تقوا و تواضع و ذلیل نمودن نفس (ترک گناه) است.^۴

طبق سومین روایت، رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله وسلم در تفسیر (فاتّبعونی) از آیه مورد بحث، برّ و تقوا و تواضع و ذلّت نفس را محور تبعین و اطاعت دانسته اند.

۴- عن علي (عليه السلام): فتأسّ بنبیک الأ طیب الأ طهر صلي الله عليه وآله وسلم فإنّ فيه أسوة لمن تأسّي و عزاء لمن تعزّي؛ و أحبّ العباد إلي الله المتأسّي بنبیّه و المقتصّ لأثره. فضم الدنيا قضمًا و لم يعرها طرفًا؛ أهضم أهل الدنيا كشحًا و أخصمهم من الدنيا بطنًا؛ عرضت عليه الدنيا فأبی أن یقبلها؛ و علم أنّ الله سبحانه أبغض شیئًا فأبغضه و حقّر شیئًا فحقّره و صغر شیئًا فصغّره و لو لم یکن فینا إلّا حبنا ما أبغض الله و رسوله و تعظیمنا ما صغّر الله و رسوله لکفی به شقاقًا لله و محادّة عن أمر الله.

امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمود: «به پیامبر پاک تر و پاکیزه تر - که درود خدا بر او و آتش باد - اقتدا کن، که وجودش برای هر که بخواهد به او اقتدا کند سر مشق است، و برای آن که تسلّی جوید در زندگی به آن حضرت تسلّی است، و محبوب ترین بندگان نزد خدا کسی است که به پیامبر اقتدا کند و قدم جای قدم او بگذارد. از دنیا به حد اقل

۱- این قسمت از تفسیر تسنیم، جلد ۱۴ صفحه ۷۵ به بعد انتخاب شده است.

۲- الدر المنثور، ج ۲، ص ۱۷۸

۳- الدر المنثور، ج ۲، ص ۱۷۸

۴- الکافی، ج ۸، ص ۲۶

قناعت کرد، و دیده برای تماشای آن باز نکرد. لاغرترین اهل دنیا، و گرسنه‌ترین آنان از دنیا بود. دنیا به او ارائه شد اما از پذیرفتنش امتناع کرد، چیزی را که دانست خدا دشمن دارد او هم دشمن داشت، و هر چه را حق خوار و بی‌مقدار دانسته بود او هم خوار و بی‌مقدار دانست، و آن‌چه را پروردگار کوچک شمرده او هم کوچک شمرد. اگر در وجود ما جز محبت آن‌چه که خدا و رسول دشمن دارند نبود، و بزرگ شمردن آن‌چه را که خدا و رسول کوچک شمرده‌اند وجود نداشت، همین برای ستیزگی ما با خدا و سرپیچی ما از فرمانش بس بود.^۱

بر پایه روایت چهارم، امیر مؤمنان (علیه‌السلام) در بیانی نورانی که در واقع بسان شرح آیه مورد بحث است، محبوب‌ترین انسان‌ها را در پیشگاه الهی کسی می‌داند که به حبیب خدا اقتدا و از آثار او پیروی کند. انسان باید به گونه‌ای زندگی کند که از آن لذت ببرد و لذت محض را تنها رسولان الهی می‌توانند تعلیم بدهند و امیرمؤمنان (علیه‌السلام) همان آموزگاری است که راه لذت بردن از حیات را با تبیین سیره رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نشان می‌دهد و آن راه همان دوری کردن از «رأس کل خطیئة» (دنیا) است، از این‌رو فرمود که: اگر ما هیچ عیبی نمی‌داشتیم جز همین که محبوب ما مبعوض خدا و رسول اوست، در مخالفت و عناد ما با خدا کافی بود.

۵- عن أبي عبد الله (عليه السلام): ... ثم تلا: (قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ) ثم قال: يا حفص! الحب أفضل من الخوف. ثم قال: و الله! ما أحب الله من أحب الدنيا و والي غيرنا و من عرف حقنا و أحبنا فقد أحب الله تبارك و تعالي. امام صادق علیه‌السلام پس از تلاوت آیه (مورد بحث) فرمود: «ای حفص؛ دوستی برتر از ترس است. به خدا سوگند کسی که دنیا را دوست بدارد و دوستدار غیر از ما باشد خدا را دوست ندارد، و هر که حق ما را بشناسد و ما را دوست بدارد در واقع خدا را دوست می‌دارد».^۲

بر پایه روایت پنجم، امام صادق (علیه‌السلام) در مقام تبیین آیه مورد بحث، حب دنیا و موالات غیر اهل بیت (علیهم‌السلام) را منافی با محبت خدا، و معرفت و محبت نسبت به ایشان را مصداق محبت خدا دانسته‌اند.

۶- عن أبي عبد الله (عليه السلام) في صحيفة أخرجها لأصحابه: ... و من سرّه أن يعلم أن الله يحبّه فليعمل بطاعة الله و ليبتعنا. ألم يسمع قول الله (عزّ و جلّ) لنبيّه: (قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ). و الله! لا يطيع الله عبد أبداً إلاّ أدخل الله عليه في طاعته أتباعنا؛ و لا و الله! لا يتبعنا عبد أبداً إلاّ أحبّه الله؛ و لا و الله! لا يدع أحد أتباعنا أبداً إلاّ أبغضنا؛ و لا و الله! لا يبغضنا أحد أبداً إلاّ عصي الله؛ و من مات عاصياً أخزاه الله و أكبه علي وجهه في النار؛ و الحمد لله ربّ العالمين!

امام صادق علیه‌السلام فرمود: «هر کس مایل است بداند خدا دوستش می‌دارد عمل به طاعت خدا نماید و پیرو ما باشد نشنیده‌ای سخن خدا را که به پیامبرش می‌فرماید: «قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَ يَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ» قسم به خدا هیچ بنده‌ای اطاعت خدا را نمی‌کند مگر این‌که خداوند در اطاعت او پیروی ما را قرار می‌دهد نه به خدا هیچ بنده‌ای پیرو ما نمی‌شود مگر این‌که خدا دوستش دارد نه به خدا هیچ بنده‌ای پیروی ما را رها نمی‌کند مگر این‌که ما را دشمن می‌دارد نه به خدا دشمن با ما نیست احدی مگر این‌که مخالفت با خدا کرده و هر کس در حال مخالفت با خدا بمیرد او را خوار می‌گرداند و به رو در آتش می‌افکند».^۳

بر اساس ششمین روایت، مطیع خدا و تابع اهل بیت (علیهم‌السلام) محبوب خداست و مبغض اهل بیت

۱- نهج البلاغه، خطبه ۱۶۰

۲- الکافی، ج ۸، ص ۱۲۹

۳- الکافی، ج ۸، ص ۱۴

(علیهم السلام)، عاصی و مبغوض خداست. امام صادق (علیه السلام) در روایتی دیگر عصیان را با محبت خدا ناسازگار دانسته: ما أحب الله (عز وجل) من عصاه؛ و در تبیین این حقیقت چنین فرموده‌اند:

تعصي الإله و أنت تظهر حبه هذا محال في الفعال بدیع لو كان حبك صادقاً لأطعته إِنَّ المحب لمن يحب مطيع

«خدا را معصیت کنی و اظهار محبت او نمائی؟! بجانت قسم که این در میان کارها بسی عجیب است! اگر دوستیت صادقانه می بود اطاعتش می کردی! که بی شک فرد محب مطیع و فرمانبردار محبوب است»^۱.

بر این اساس، روایاتی همچون:

حب علي بن أبي طالب حسنة لا تضر معها سيئة و بغضه سيئة لا تنفع معها حسنة.

«محبت علی بن ابی طالب علیه السلام حسنه‌ای است که با آن هیچ گناهی ضرر نمی‌رساند و دشمنی با او گناهی است که با داشتن آن هیچ کار خیری سود نمی‌بخشد»^۲.

و نیز حدیث:

نزل جبرئيل علي النبي صلى الله عليه وآله وسلم و قال: يا محمد! الله العليّ الأعليّ يقرأ عليك السلام و قال: محمد نبي رحمتي و عليّ مقيم حجّتي لا أعذب من والاه و إن عصاني و لا أرحم من عاداه و إن أطاعني.

جبرئیل بر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نازل شد و عرض کرد «ای محمد خداوند بزرگ عالی مرتبه به تو سلام می‌رساند و می‌فرماید: محمد پیغمبر رحمت من است و علی مقیم حجت من، دوستدارش را عذاب نکنم گر چه گناه من ورزد و به دشمنش رحم نکنم گر چه فرمانم برد»^۳.

را می‌توان چندگونه معنا کرد که به برخی اشاره می‌شود:

اول: محب راستین گناه نمی‌کند و اگر کسی گناه کرد، معلوم می‌شود محب نبوده است. آری چون مؤمن همواره متذکر و بیناست، شیطان هرگز در او نفوذ نخواهد کرد: (إِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا إِذَا مَسَّهُمْ طَائِفٌ مِّنَ الشَّيْطَانِ تَذَكَّرُوا فَإِذَا هُمْ مُبْصِرُونَ - اعراف/۲۰۱).

دوم: اگر کسی محب امیرمؤمنان (علیه السلام) باشد، چون در اصل مطیع و در فرع عاصی است، در آتش جاوید نخواهد بود.

سوم: روایاتی که بهشت را برای اهل تقوا می‌داند، هرچند غلام حبشی باشند و جهنم را برای تبهکاران می‌داند، هرچند سید قرشی باشند و نیز این سخن خدای سبحان به نوح (علیه السلام) که (يا نُوحُ إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَهْلِكَ إِنَّهُ عَمَلٌ غَيْرُ صَالِحٍ - هود/۴۶)، بر روایت مزبور نسبت به ظاهر ابتدایی‌اش حاکم است. بر این اساس، ظاهر ابتدایی روایت مراد نیست؛ یعنی چنین نیست که اگر کسی محب حضرت علی (علیه السلام) باشد، معصیت به او آسیبی نرساند.

در تأیید وجه سوم روایت هست که زید، برادر امام علی بن موسی الرضا (علیه السلام) در بغداد آشوب کرد و آتش‌سوزی به راه انداخت و مأمون به حضرت رضا (علیه السلام) عرضه داشت که به احترام شما به زید چیزی نگفتم. امام رضا (علیه السلام) به زید فرمود که: «تو تا زمانی برادر من هستی که مطیع فرمان خدا باشی: أنت أخي ما أطعت الله. آیا این حدیث تو را مغرور کرده است که فرزندان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم وارد جهنم نخواهند شد؟ این حدیث مربوط به حسنین است. مگر نشنیده‌ای که خدای سبحان به نوح (علیه السلام) فرمود: (إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَهْلِكَ إِنَّهُ عَمَلٌ غَيْرُ صَالِحٍ - هود/۴۶)»^۴.

۱- تحف العقول النص ص ۲۹۴

۲- عوالی اللئالی العزیزة فی الأحادیث الدینیة ج ۴ ص ۸۶

۳- الأمالی (للدوق) ص ۶۵۸

۴- سوره هود، آیه ۴۶، عیون اخبار الرضا (علیه السلام)، ج ۲، ص ۲۵۹

رابطه محبت با معرفت و اطاعت^۱

محبت، واسطه‌ای است میان معرفت و اطاعت: محبت از سویی معلول معرفت است و از طرفی، علت طاعت، زیرا محبت بی معرفت به دست نمی‌آید، چنان که اطاعت بدون محبت، بر همین اساس، محبت محور تعلیم قرار گرفته و وجود مبارک رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم که حبیب خداست، معلّم و راهنمای مردم شده و اجر رسالت خویش را به دستور خداوند مودّت به عترت طاهرین (علیهم السلام) دانسته است: (قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى - شوری/۲۳). مودّت به اهل بیت نیز از سویی به معرفت به آنان مستند است، زیرا بی معرفت به آنان پدید نمی‌آید و از طرفی سند، تکیه‌گاه و دلیل فرمان برداری از آن هاست، چنان که امام صادق (علیه السلام) فرمود که: «هر که خدا را عصیان می‌کند، محب خدا نیست»؛ آن گاه فرمود:

تعصي الإله و أنت تظهر حبه هذا محال في الفعال بديع
لو كان حبك صادقاً لأطعته إنّ المحب لمن يحب مطيع^۲

محب هرگز درباره محبوب خود عصیان نمی‌ورزد و وقتی پیروی حبیب خدا در همه جوانب صورت گیرد، محب خدا بودن نیز در همه جوانب محقق می‌شود. فرمان برداری کامل، محبت کامل می‌زاید و اطاعت ناقص، محبت ناقص؛ و تنها راه تکمیل محبت، همان پیروی است.

دستور قرآن اطاعت از پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم است

قرآن به صراحت گفتار پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم را سخن خدا دانسته است چه در قرآن آمده باشد و چه در قرآن نیامده باشد.

«وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ ۖ إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ - و (پیامبر) هرگز از روی هوای نفس سخن نمی‌گوید * آن چه می‌گوید چیزی جز وحی که بر او نازل شده نیست». (نجم/۴۳)

نکته بعدی این است که پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم طبق آیه زیر بر همه ولایت دارد و ولایت او در امتداد ولایت خداوند است.

«إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ - ولی شما خدا و رسول و مؤمنینی هستند که در هنگام رکوع زکات می‌دهند». (مائده/۵۵)

نیازی به بیان نیست که وقتی ولایت او ولایت الهی است باید از او اطاعت کرد، همچنان که از خدا اطاعت می‌کنیم. زیرا طبق آیه قبل هر چه او بفرماید سخن خداست.

همچنین خداوند در آیات بسیاری دستور به اطاعت از پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم داده و اطاعت از او را اطاعت از خدا و سرپیچی از فرمانش را عدم اطاعت از خود دانسته و برای اطاعت از رسول وعده پاداش و برای سرپیچی وعده عذاب داده است.

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَوَلَّوْا عَنْهُ - ای کسانی که ایمان آورده‌اید! خدا و پیامبرش را اطاعت کنید و سرپیچی ننمایید». (انفال/۲۰)

«مَنْ يُطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ - هر کس پیامبر را پیروی کند، بی شک خداوند را اطاعت کرده است». (نساء/۸۰)^۳

۱- این مطلب از تفسیر تسنیم، جلد ۱۴ صفحه ۴۳ به بعد انتخاب شده است.

۲- تحف العقول النص ص ۲۹۴

۳. در بیش از بیست آیه دیگر هم بر این موضوع تأکید شده است. (احزاب/۳۳ و ۶۶ و ۷۱) (تغابن/۱۲) (انفال/۱ و ۴۶) (مجادله/۱۳) (نور/۵۲ و ۵۴)

چگونگی اطاعت از پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم؟

مشخص است که اینها دستوراتی همیشگی است که تا قیامت برقرار است. حال اگر امروز بخواهیم به این آیات عمل کنیم چگونه باید از پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم اطاعت نماییم. مشخص است که یگانه راه اطاعت از آن حضرت دانستن فرمایشات ایشان و عمل به آنهاست. پس از روایات پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم بی نیاز نیستیم.

اطاعت از اهل بیت اطاعت از رسول و خداوند است

از آیه زیر معلوم می گردد که اطاعت از رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم پایان راه نیست. و باید از اولی الامر نیز مانند ایشان اطاعت نمود.

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ - ای کسانی که ایمان آورده اید از خدا و رسول و صاحبان امر اطاعت کنید». (نساء/۵۹)

احادیث پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم با آیات قرآن تایید می گردد و احادیث ائمه علیهم السلام با جملات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم تایید می شود.

یکی از احادیث معروف و مشهور میان علمای سنت و شیعه «حدیث ثقلین» است.

این حدیث را گروه عظیمی از صحابه، بلاواسطه از پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم نقل کرده اند، و بعضی از علمای بزرگ راویان حدیث را بالغ بر سی تن از صحابه می دانند.^۱ گروه کثیری از مفسران و محدثان و مورخان آن را در کتب خود آورده اند، و روی هم رفته در تواتر این حدیث نمی توان تردید کرد.

اصل حدیث به گفته ابوذر غفاری چنین است: «او در حالی که در خانه کعبه را گرفته بود رو به سوی مردم کرده چنین می گفت من از پیامبر می شنیدم که می فرمود:

إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ كِتَابَ اللَّهِ وَ عِترَتِي أَهْلَ بَيْتِي وَ إِنَّهُمَا لَنْ تَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ - من در میان شما دو یادگار گران بها می گذارم: قرآن و خاندانم و این دو هرگز از هم جدا نمی شوند، تا هنگامی که در کنار حوض کوثر بر من وارد شوند، پس بنگرید و ببینید چگونه سفارش مرا درباره این دو رعایت می کنید؟»^۲

در این جا چند نکته قابل ملاحظه است:.

۱- معرفی قرآن و عترت به عنوان «دو خلیفه» یا «دو چیز گرانمایه» دلیل روشنی است بر این که مسلمانان باید هرگز دست از این دو برندارند، مخصوصاً با این قید که در بسیاری از روایات آمده که می فرماید: «اگر این دو را رها نکنید هرگز گمراه نخواهید شد». این حقیقت به صورت مؤکدتری ثابت می شود.

۲- قرار گرفتن قرآن در کنار عترت و عترت در کنار قرآن دلیل بر این است که همان گونه که قرآن هرگز دستخوش انحراف نخواهد شد، و از هر گونه خطا مصون و محفوظ است عترت و خاندان پیامبر نیز دارای مقام عصمت می باشند.^۳

جزئیات احکام

قرآن محتوی دستورات کلی و قوانین اساسی اسلام است؛ و اگر از سنت چشم بپوشیم، جنبه عملی خود را از دست خواهد داد، و به گونه کلیاتی ذهنی که قابلیت اجرا ندارد باقی می ماند؛ زیرا تمام جزئیات و ریزه کاری ها و آیین نامه های

(ال عمران/۳۱ و ۳۲ و ۱۳۲) (محمد/۳۳) (مائده/۹۲) (توبه/۷۹) (فتح/۱۷) (نساء/۱۳) (نساء/۶۹) (حجرات/۱۴) (حشر/۷)

۱. سیره حلی، ج ۳۳، ص ۳۰۸

۲. نقل از جامع ترمذی، طبق نقل ینابیع الموده، ص ۳۷

۳. این مطلب در بررسی آیه تطهیر (احزاب/۳۳) به وضوح مشخص می گردد.

عملی و اجرایی آن قوانین کلی همه در سنت بیان شده است.

به عنوان مثال خداوند در قرآن دستور داده است:

نماز را اقامه کنید و زکات بپردازید - أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ آتُوا الزَّكَاةَ (بقره/۴۳)

روزه بگیرید - كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ (بقره/۱۸۳)

قتال (جهاد) کنید - كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ (بقره/۲۱۶)

به حج بروید - وَ لِلّٰهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ اِلَيْهِ سَبِيْلًا (ال عمران/۹۳)

امر به معروف و نهی از منکر نمایید - وَ لَتَكُنْ مِنْكُمْ اُمَّةٌ يَدْعُونَ اِلَى الْخَيْرِ وَ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ (ال عمران/۱۰۴)

خمس پرداخت کنید - وَ اعْلَمُوا اَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَاَنَّ لِلّٰهِ خُمُسَهُ وَ لِلرَّسُوْلِ وَ لِذِي الْقُرْبَى وَ الْيَتَامَى وَ الْمَسَاكِيْنِ وَ ابْنِ السَّبِيْلِ (انفال/۴۱)

قصاص کنید - كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقَصَاصُ (بقره/۱۷۸)

و بسیاری دستورات دیگر در موضوع احکام دین، ولی چگونگی آن‌ها را بیان نفرموده است. حال برای اجرای این دستورات قرآن چه باید کرد؟

اگر حدیث را از ما جدا کنند. ما از کجا بدانیم چند رکعت نماز یا چند دور طواف صحیح است؟ یا عقد همسر و نماز و روزه و حج چگونه است؟ خلاصه: چگونه مسلمان باشیم؟

البته در طول تاریخ اسلام بحث‌های زیادی در این خصوص بوده است که ابتدا حدیث را ممنوع نمودند و سپس دست به تحریف آن زدند.

اطاعت از همه پیامبران

همه پیامبران الهی مردم را به اطاعت از خویش فراخوانده‌اند. در سوره شعراء به پنج پیامبر: نوح، هود، صالح، لوط و شعیب اشاره نموده که همگی به قوم خود گفته‌اند: «فَاتَّقُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا» - بنابراین از خدا پروا کنید و از من فرمان ببرید.^۱ عیسی علیه السلام نیز همین را به مردم می‌فرمود.^۲

همچنین خداوند فرموده است:

«وَ مَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَّسُوْلٍ اِلَّا لِيُطَاعَ» - و هیچ پیامبری را نفرستادیم مگر آن که به توفیق خدا از او اطاعت شود». (نساء/۶۴)

نتیجه اطاعت از ولی الهی

۱- مهم‌ترین نتیجه اطاعت از ولی الهی این است که خداوند انسان را دوست خواهد داشت که در آیه ۳۱ آل عمران به آن اشاره شد.

از دیگر نتایج می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

۲- بخشیده شدن گناهان (در آیه ۳۱ آل عمران به آن اشاره شد)

۳- رستگاری بزرگ

مَنْ يُطِعِ اللَّهَ وَ رَسُوْلَهُ فَقَدْ فَازَ فَوْزًا عَظِيْمًا

و هر کس خدا و پیامبرش را اطاعت کند، بی‌تردید رستگاری بزرگی یافته است. (احزاب/۷۱)

۱. آیات: ۱۰۸، ۱۱۰، ۱۲۶، ۱۳۱، ۱۴۴، ۱۵۰، ۱۶۳، ۱۷۹

۲. آل عمران/۵۰ و زخرف/۶۳

مَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَخْشِ اللَّهَ وَيَتَّقِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ

و کسانی که از خدا و پیامبرش اطاعت کنند و از خدا بترسند و از او پروا نمایند، پس آنان همان کامیابانند. (نور/۵۲)
۴- رفتن به بهشت

مَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ يَدْخُلْهُ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَ ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ.

هر که از خدا و رسولش اطاعت کند، خدا او را به بهشت‌هایی که از زیر [درختان] آن نهرها جاری است درآورد؛ در آن جاودانه‌اند، و آن است کامیابی بزرگ. (نساء/۱۳)

۵- هم‌ردیف شدن با پیامبران و صدیقان و شهیدان و شایستگان

مَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَ الرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَ الصَّادِقِينَ وَ الشُّهَدَاءِ وَ الصَّالِحِينَ وَ حَسُنَ أُولَئِكَ رَفِيقًا

و کسانی که از خدا و پیامبر اطاعت کنند، در زمره کسانی از پیامبران و صدیقان و شهیدان و شایستگان خواهند بود که خدا به آنان نعمت [ایمان، اخلاق و عمل صالح] داده؛ و اینان نیکو رفیقانی هستند. (نساء/۶۹)

۶- مورد رحمت خداوند قرار گرفتن

وَ الْمُؤْمِنُونَ وَ الْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ يُطِيعُونَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ

مردان و زنان با ایمان دوست و یار یکدیگرند؛ همواره به کارهای نیک و شایسته فرمان می‌دهند و از کارهای زشت و ناپسند باز می‌دارند، و نماز را برپا می‌کنند، و زکات می‌پردازند، و از خدا و پیامبرش اطاعت می‌نمایند؛ به زودی خدا آنان را مورد رحمت قرار می‌دهد؛ زیرا خدا توانای شکست‌ناپذیر و حکیم است. (توبه/۷۱)

نتیجه عدم اطاعت از ولی الهی

۱- مهم‌ترین مشکل در عدم اطاعت از ولی الهی از دست دادن دوستی خداوند است که از آیه ۳۱ آل عمران نتیجه می‌شود.

۲- عذاب دردناک

مَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ يَدْخُلْهُ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَ مَنْ يَتَوَلَّ يُعَذَّبْهُ عَذَابًا أَلِيمًا

کسی که از خدا و پیامبرش اطاعت کند، او را در بهشت‌هایی درآورد که از زیر درختان [آن] نهرها جاری است، و هر کس روی بگرداند او را به عذابی دردناک عذاب می‌کند. (فتح/۱۷)

۳- پشیمانی

يَوْمَ تُقَلَّبُ وُجُوهُهُمْ فِي النَّارِ يَقُولُونَ يَا لَيْتَنَا أَطَعْنَا اللَّهَ وَ أَطَعْنَا الرَّسُولَ

روزی که چهره‌های‌شان را در آتش از سویی به سویی می‌گردانند، [او] می‌گویند: ای کاش ما [در دنیا] از خدا و پیامبر اطاعت کرده بودیم. (احزاب/۶۶)

روایت جابر بن یزید جعفی

أَبُو مُحَمَّدٍ الْفَحَّامُ، قَالَ: حَدَّثَنِي عَمِّي، قَالَ: حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرٍ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْمُثَنَّى، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ عُثْمَانَ بْنِ زَيْدٍ، عَنْ جَابِرِ بْنِ يَزِيدَ الْجُعْفِيِّ، قَالَ: خَدَمْتُ سَيِّدَنَا الْإِمَامَ أَبَا جَعْفَرٍ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ (عَلَيْهِمَا السَّلَامُ) ثَمَانِي عَشْرَةَ سَنَةً، فَلَمَّا أَرَدْتُ الْخُرُوجَ وَدَعْتُهُ، وَ قُلْتُ: أَفْدَنِي. فَقَالَ: بَعْدَ ثَمَانِي عَشْرَةَ سَنَةً، يَا جَابِرُ! قُلْتُ: نَعَمْ إِنَّكُمْ بَحْرٌ لَا يُنْزَفُ وَلَا يُبْلَغُ قَعْرُهُ.

فَقَالَ: يَا جَابِرُ، بَلِّغْ شِيعَتِي عَنِّي السَّلَامَ، وَ أَعْلِنُهُمْ أَنَّهُ لَا قَرَابَةَ بَيْنَنَا وَ بَيْنَ اللَّهِ (عَزَّ وَ جَلَّ)، وَ لَا يُتَقَرَّبُ إِلَيْهِ إِلَّا بِالطَّاعَةِ لَهُ. يَا جَابِرُ، مَنْ أَطَاعَ اللَّهَ وَ أَحَبَّنَا فَهُوَ وَلِيُّنَا، وَ مَنْ عَصَى اللَّهَ لَمْ يَنْفَعَهُ حُبُّنَا.

يَا جَابِرُ، مَنْ هَذَا الَّذِي يَسْأَلُ اللَّهَ فَلَمْ يُعْطِهِ، أَوْ تَوَكَّلَ عَلَيْهِ فَلَمْ يَكْفِهِ، أَوْ وَثِقَ بِهِ فَلَمْ يُنْجِهِ! يَا جَابِرُ، أَنْزَلَ الدُّنْيَا مِنْكَ كَمَنْزِلِ نَزَلَتْهُ تُرِيدُ التَّحْوِيلَ عَنْهُ، وَ هَلِ الدُّنْيَا إِلَّا دَابَّةٌ رَكِبَتْهَا فِي مَنَامِكَ فَاسْتَيْقَظْتَ وَ أَنْتَ عَلَى فِرَاشِكَ غَيْرَ رَاكِبٍ وَ لَا آخِذٍ بِعِنَانِهَا، أَوْ كَتُوبٍ لَيْسَتْهُ أَوْ كَجَارِيَةٍ وَطَنَتْهَا.

يَا جَابِرُ، الدُّنْيَا عِنْدَ ذَوِي الْأَلْبَابِ كَفَيءِ الظَّلَالِ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ إِعْزَازًا لِأَهْلِ دَعْوَتِهِ، الصَّلَاةُ تَثْبِيتٌ لِلْإِخْلَاصِ وَ تَنْزِيهٌ عَنِ الْكِبَرِ، وَ الرِّكَازَةُ تَرِيدُ فِي الرِّزْقِ، وَ الصِّيَامُ وَ الْحُجُّ تَسْكِينُ الْقُلُوبِ، الْقَصَاصُ وَ الْحُدُودُ حَقُّ الدَّمَاءِ، وَ حُبُّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ نِظَامُ الدِّينِ، وَ جَعَلَنَا اللَّهُ وَ إِيَّاكُمْ مِنْ «الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ بِالْغَيْبِ وَ هُمْ مِنَ السَّاعَةِ مُشْفِقُونَ». (انبیاء/ ۴۹)

جابر بن یزید جعفی گفت هجده سال به خدمتکاری امام و مولایم حضرت باقر اشتغال داشتم وقتی خواستم از خدمت آن جناب خارج شوم وداع کرده گفتم: «مرا بهره‌ای برسان»

مولایم فرمود: «جابر پس از هجده سال. (باز هم برای چیزی بگویم)»

گفتم: «آری شما دریای خشک ناشدنی و ژرف و بی‌پایان هستید».

فرمود: «جابر سلام مرا به شیعیانم برسان و به آن‌ها بگو بین ما و خدا خویشاوندی نیست و نمی‌توان مقرب درگاه او شد مگر به اطاعت».

جابر هر که مطیع خدا باشد و دوستدار ما ولی ما است و هر که معصیت خدا را کند دوستی ما به او نفعی نمی‌بخشد. جابر چه کسی از خدا چیزی خواسته و به او نداده یا بر او توکل نموده و خدا رهایش کرده یا به او اطمینان نموده و خدا نجاتش نداده؟

جابر دنیا را در نظر خود مانند منزلی قرار ده که می‌خواهی از آن جا کوچ کنی مگر دنیا مانند مرکبی نیست که در خواب سوار آن شده‌ای و یک مرتبه بیدار می‌شوی می‌بینی در رختخواب خود هستی بی‌آنکه سوار چیزی باشی و هیچ کس به آن اهمیتی نمی‌دهد. یا چون جامه‌ای که پوشیده‌ای یا همچون زنی که با او همبستر شده‌ای (لذت زودگذر دارد). جابر دنیا در نظر خردمندان مانند حرکت سایه است کلمه لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ موجب عزت معتقدین است و نماز خانه اخلاص و پاک شدن از کبر است و زکات موجب افزایش روزی و روزه و حج، دل‌ها را تسکین می‌دهد قصاص و حدود موجب حفظ خون مردم می‌شود. حسب ما خانواده نظام دین است خداوند ما و شما را از کسانی قرار دهد که در پنهانی از خدا می‌ترسند و از روز قیامت هراس دارند.